

کتاب

همان
جمهوری
اسلامی
که امام ...



«فی‌فی» و جوانان!

به روی ما نگاه خدا خنده می‌زند،
هر چند ره به ساحل لطفش نبرده‌ایم
زیرا چو زاهدان سیه‌کار خرقه‌پوش
پنهان ز دیدگان خدا می‌نخورده‌ایم

آن‌ها که با ادبیات معاصر ایران آشنائی دارند می‌گویند،
شعرنو با نیما یوشیج آغاز شد و با فروغ فرخزاد به اوج
رسید.

مائیم، ما که طعنه زاهد شنیده‌ایم مائیم، ما که جامه تقوی دریده‌ایم زیرا درون جامه به جز پیکر فریب زین هادیان راه حقیقت ندیده‌ایم

به دلیل شکست معرکه «موسوی - کروی» قرار شده آشوب‌های خیابان در به «اصطلاح» مجلس جمکران تکرار شود تا «اقتدار مجلس خیابانی» نیز به اثبات برسد. بله رئیس این «مجلس» همان پاسدار علی کوچیکه خودمان است که برای تکمیل عزت و اقتدار مجلس چاه جمکران، تک و طایفه عیال‌اش را نیز به عنوان سرجه‌ازی به محل کذا آورده. «مجلس»، در لغت‌نامه دهخدا، «محل نشستن مردمان» را گویند. در نتیجه، همه می‌توانند نشیمن مقدس‌شان را روی صندلی‌های مجلس بگذارند، حتی موجود روان‌پیشی همچون علی مطهری، برادر عیال پاسدار علی کوچیکه. خلاصه از آنجا که جهت تأمین منافع آنگلو ساکسون‌های خداجو و خداپرست و خداشناس دو سوی آتلانتیک، «قوانین» در کشور ایران «الهی» شده و باید منطبق باشد بر «احکام شرع»، پس هر کس می‌تواند در قانون‌گزاری شرکت کند، به شرط اینکه از سوی کارخانه رجاله‌پروری صلاحیت‌اش مورد تأیید قرار گرفته باشد.

فواید قوانین منطبق بر «احکام شرع» این است که همه نوکران وفادار سفارت صلاحیت «قانون‌گزاری» خواهند داشت و می‌توانند در یک آن «مجلس قانون‌گزاری» را به «طویلۀ علیاحضرت» تبدیل کنند. درست همانطور که در دوران مدرس و مصدق شاهد بودیم. باز بعضی‌ها نپرسند، مگر شما

در دوره «مدرس» زندگی می‌کردید، یا دوره «مصدق» را به یاد دارید؟! ما از آغاز پادشاهی کوروش هخامنشی در ایران زندگی می‌کردیم و اگر «مجلس گوادالوپ»، امام روشن‌ضمیر را برای مان ارسال نکرده بود مسلماً هنوز هم در ایران ساکن بودیم. باری آنچه از دوران «مدرس» و «مصدق» به یاد داریم رواج «زبان گسست» یا همان «زبان فریب» و انسان‌ستیزی است برای سرکوب آرمان‌های والای مبارزان صدمشروطه: قانون بجای شریعت، جدائی دین از سیاست، و ... و برای تحقق همین امر مقدس بود که آخوند مدرس ناگهان کشف کرد سیاست‌اش عین دیانت‌اش شده، و دیانت‌اش هم مزدوری و بندگی است در بارگاه استعمار. یا اینکه محمد مصدق، برای «ملی کردن نفت» در «مجلس» کذا حکایت می‌کرد که، یک «آقای نورانی» به خواب‌اش آمده و ملی کردن نفت را تأیید فرموده! بله وقتی به «مدرس» و «مصدق» می‌نگریم می‌بینیم در واقع هم‌نام و هر دو «مزور» بوده‌اند. چرا که تطبیق «سیاست» با «دیانت» بدون توسل به تزویر و ریا ممکن نیست. این است دلیل واقعی معرکه «هیزاکسنسی»، یعنی لشکرکشی خیابانی و به راه افتادن کاروان خردجال در ایران.

باری، هیزاکسنسی برای تکرار دوره مشعشع «دمکراسی دوران مصدق»، یعنی همان خرتوخر «مردمی» مرکب از شعبان جعفری، مظفر بقائی و حزب توده، جهت ملاحور کردن نفت خیز برداشته‌اند و رسانه‌های‌شان در غرب نیز با توسل به جسد «ندا» و با تکیه به «خردجمعی» و «بهره‌گیری از دستاوردهای دانش جوامع بشری» دست‌اندرکار ساخت یک «امامزاده عقلانی» شده‌اند، که در وبلاگ دیگری به آن

اشاره خواهیم کرد. می‌بینیم که مخاطب اصلی سخنرانی شیادانه نوآم چامسکی در باب «دمکراسی دوران مصدق»، یا همان «حکومت آشوب» که همواره به یک کودتای «شیرین» می‌انجامد در تهران نشسته، و زحمت ترجمه سخنرانی مذکور هم بردوش سایت «محسن آقا»، یعنی «تابناک» افتاده!

پیش از ادامه مطلب یادآور شویم، پیام مورخ ۲۵ آبان‌ماه ۱۳۸۸، در سایت «نووستی»، بخش «نامه‌های شما» متعلق به نویسنده این وبلاگ است. در تأیید همین مطلب و مطالب وبلاگ «جب و ریغان» تکرار می‌کنیم، اعتقادات مذهبی، همه «باورها» و «سلايق» که به دلیل ابهام، هیچ توجیه منطقی و مستدل ندارد، «حریم خصوصی» افراد به شمار می‌رود و نمی‌توان آنرا به عنوان قوانین و مقررات به عرصه اجتماع وارد کرد. اصولاً در جوامع بهنجار قانون مبهم تدوین نمی‌شود. در این راستا توسل «حقوق دانان» جنبش کذا را به عبارت گنگ و مبهم «خرد جمعی» در «پیش‌نویس» قانون اساسی‌شان فریبکاری می‌دانیم. چرا که «خرد جمعی» به سهولت می‌تواند حتی در برگیرنده اصول اساسی قانون فعلی حکومت اسلامی نیز باشد. پس بهتر است پیش‌نویس کذا را در کوزه گذاشته آبش را بنوشند. از طرف ما به غلام سفارت بفرمائید، سیاست نان و آبدار «امامزاده سازی» و شعارهای گوساله‌پسند از قبیل «سیاست ما عین دیانت ماست» دیگر نمی‌تواند ادامه یابد، هر چند که آخوند کروی شیاد و کودن هنوز متوجه این نکته پیش پا افتاده نشده.

سرانجام آخوند کروی پس از مراسم آشتی‌کنان با میر حسین به «خط امام»، یا همان خط زیگزاگ بازگشت، تا در

«نظام»، که همان بی‌نظمی باشد و در بطن قانون اساسی، یا همان قانون بی‌پایه و اساس بهتر بتواند به دروغ‌گوئی و شیادی ادامه دهد. می‌دانیم که در به اصطلاح «انتخابات» چاه جمکران که در واقع همان «بیعت» صدر اسلام در صحرای عربستان است، کروی و موسوی در نقش سگ‌های تزئینی هیزاکسنلسی، یعنی «فی‌فی» و «لاسی» ظاهر شده، به دلبری مشغول بودند. در واقع هیزاکسنلسی که استوارنامه خود را تقدیم نوکران در جمکران نکرده بودند، به عنوان سفیر «مستمع آزاد» یا توریست دیپلمات در تهران به معرکه‌گیری اشتغال داشته و «فی‌فی» و «لاسی» را برای جلب مشتری و «فروش انتخابات» و «کسب مشروعیت» برای «نظام» به صحنه آورده بودند. البته ما هر وقت در رسانه‌ها از زبان مقامات جمکران می‌شنویم، «نظام» واقعا از خنده به گریه می‌افتیم، و از گریه هم به خنده. به عبارت دیگر، تعادل روانی‌مان بکلی در هم می‌ریزد. راه دور نمی‌رویم. کافی است به مذاکرات هسته‌ای گورکن‌ها با گروه «۱+۵» بنگریم.

در میان «مقامات» جمکران تنها کسی که هنوز در این مورد «اظهاری نظر» نکرده، همان اسمال تیغ‌زن معروف است. اصلاً پاسخ گورکن‌ها به دلیل عدم دخالت اسمال آقا در امور هسته‌ای به تأخیر افتاده! چرا که ایشان، یعنی جناب اسمال تیغ‌زن به دلیل مهارت‌شان در چاقو‌کشی، متخصص امور «دسته‌ای» هستند! می‌دانیم که شرط لازم برای «انتخاب» چاقوی خوب، داشتن درجه کارشناسی ارشد در رشته «دسته‌ای» است. به عبارت دیگر باید دسته چاقو «مرغوب» و مورد اعتماد باشد، مثل اکبر اعتماد خودمان که مورد اعتماد بعضی‌هاست. در غیر اینصورت حین نفس‌کش‌طلبی و عربده‌جوئی ممکن است، تیغه چاقو خود را از اسارت «دسته» نجات داده، فقط دسته

معتقد به همان اسلام جدید را به شوت و پرت‌ها معرفی کرده، و «گویا نیوز» هم این سخنان گوساله‌پسند را انعکاس داده. «فی‌فی» می‌گوید:

«اسلامی که امام (ره) و ما به آن اعتقاد داریم به آزادی حقوق و حرمت مردم پایبند است و تجسس و تفرص در زندگی شخصی مردم را منع کرده است و با کسی سر جنگ و نزاع ندارد.»

بله این اسلام و این امام که حتی پس از مرگ هم اعتقادات خود را حفظ کرده و کروی را گویا مرتباً از آن دنیا در جریان اعتقادات نوین خود می‌گذارد، همزمان با پیش‌نویس قانون اساسی پیشنهادی، از لیفۀ تنبان هیزاکسلنسی بیرون افتاده‌اند. روزی که اوباش‌الله مؤنث در برابر سفارت انگلستان می‌زوزیدند و خواهان استرداد شاهد قتل ندا یا قاتل فرضی او بودند، هیزاکسلنسی یک بسته پیشنهادی برای‌شان پرتاب فرمودند که رویش نوشته شده بود، «فی‌فی! چنج وی نید، ام. ام. ام»، یعنی «فی‌فی زمان تغییر فرا رسیده، مدرس، مصدق و مجلس!» و فی‌فی که بسیار باهوش و فراست است و مسئول حراست از منافع ارباب، به فراکسیون خط شکسته می‌گوید، مجلس خوب و واقعی و قوی آن است که «افکار عمومی» را منعکس کند! بله این همان «خرد جمعی» کذا است که اربابان «فی‌فی» می‌کوشند آنرا در مجلس مضحک جمکران اعمال کنند تا عوامگرائی و توحش و ابتدال «طاعون سبز» را در قوه مقننه «رسمیت» بخشند، و برای ایجاد بحران و تنش، بین دولت و مجلس «جنگ

چاقو در دست کلاه مخملی شریف باقی بماند و نوامیس اسلام از این راه خدشه‌دار شود. بله، فکر نکنید انتخاب چاقو کار ساده‌ای است! فقیه جامع‌الشرایط می‌طلبد، و «تعهد» به مکتب! یعنی باید متدین و متعهد باشید به چاقو‌کشی دینی، در غیر اینصورت شما را به عنوان یک «تیغ‌کش فرهیخته»، متخصص دخالت به حریم خصوصی و لجن‌پراکنی و برچسب زدن قبول نخواهند داشت! خلاصه بگوئیم اسمال تیغ زن فعلاً فرصت ندارند وقت گرانبهای خود را برای امور هسته‌ای تلف کنند.

پس تا اظهار نظر «اسمال‌آقا» در مورد توافق‌های ژنو فرصتی هست که به معرکه هیزاکسلنسی برای برگزاری مسابقات مارگیری پردازیم. آنروزها، یعنی همین پنج ماه پیش، برای پهن کردن بساط معرکه «هوادلپذیر» بود و همه شرایط مساعد. در نتیجه، عده‌ای شوت و پرت برای «تماشا» جمع شدند. «لاسی»، در پناه ارباب و «فی‌فی» در خیابان به هنرنمایی مشغول بودند، چون برخلاف مهرورزی و پاسدار محسن رضائی، لاسی و فی‌فی غیرنظامی تشریف داشتند. بخصوص «فی‌فی» که سال‌ها در «مجلس» برای ارباب دم‌جنبانده بود و برای رهبر معرکه گرفته بود، در عرصه دروغ و شیادی کهنه‌کار به شمار می‌رفت. هیچ تعجبی هم ندارد، جنتلمن‌های نزولخور در زمینه دانش بشری چنان پیشرفت کرده‌اند که سگ‌های سیرک‌شان نه تنها به چند «زبان نفتی» دنیا از جمله فارسی و عربی تسلط کامل دارند که در «نوسازی مردگان» و اسلام‌شناسی نیز تخصص یافته‌اند. همین فی‌فی، امروز در دیدار با «فراکسیون خط امام» یک اسلام جدید و یک امام نوین،

زرگری» به راه اندازند. از اینرو «فی‌فی» ضمن تکان دادن دم، چنین پارسیده:

«وقتی می‌شنیدیم که در مجلس اقلیتی ۵ نفره منشاء چه تأثیرات شگرفی شده‌اند و یا آنکه مدرس به تنهایی چگونه ایفای نقش می‌نمود، در ذهنم جایگاه والائی از مجلس و توان آن شکل می‌گرفت این اعتبار و جایگاه [...] اعتقاد را به جایگاه و شأن مجلس صد چندان می‌نمود [...]»

گویا «فی‌فی» فراموش کرده، روزگاری خودش رئیس همین «مجلس» بود و برای ممانعت از تصویب قانون مطبوعات چه‌ها کرد! ما که فراموش نکرده‌ایم، دیگران نیز مسلماً پدرسوختگی شیخ اصلاحات را از یاد نبرده‌اند. باری کروی در ادامه دروغ‌های شاخدار مزخرفاتی هم از قول امام‌اش نقل کرده و تعریف نوینی نیز از مجلس ارائه داده. گویا از این پس مجلس باید پیرو «افکارعمومی» یا همان «خرد جمعی» باشد و هر چه «همه» خواستند این مجلس آن‌ها همان را به عنوان قانون «تصویب» کند.

پیشانی از ز داغ گناهی سیه شود بهتر ز داغ مهر نماز از سر ریا نام خدا نبردن از آن به که زیر لب بهر فریب خلق بگوئی خدا، خدا

می‌بینیم که طاعون سبز چه برنامه‌های مترقی و پیشرفته‌ای برای ما دارد. بی‌دلیل نبود که در پیش‌نویس قانون اساسی‌شان، پرچم و تقویم را هم به «انتخاب مردم» گذاشته بودند! اصلاً پرچم چه رنگی می‌خواهید؟ سه رنگ، چهاررنگ،

گلدار، راه‌راه یا هفت‌رنگ همچون رنگین‌کمان؟ کدام مبداء تاریخ را دوست دارید؟ تاریخ ورود «امام» به میهن اسلامی، تاریخ اشغال سفارت آمریکا، تاریخ شروع جنگ با عراق، تاریخ شکار جوانان در مدرسه و دانشگاه و خیابان، یا تاریخ مقدس ژانویه ۱۹۷۹، هنگام نشست گوادالوپ، که شما ملت را به ابزار تأمین منافع سازمان ناتو در منطقه تبدیل کرد؟ تاریخ تبدیل موسوی جلاد و کروی شیاو به رهبران اوپوزیسیون را هم می‌توانید انتخاب کنید، که هیچ بد نیست. انتخاب تاریخ و پرچم با شما، چپاول ثروت‌های ملی هم با ما! «ما» با یک مجلس «قوی»، البته به فرموده امام از آن دنیا، برای انجام این خدمات دینی آماده‌ایم:

«[...] امام گفتند [...] مجلس قوی نمی‌گذارد کشور با بحران و مشکل مواجه شود [...] مجلسی که برآیند واقعی افکار عمومی و طبقات اجتماعی ملت باشد، هیچ‌گاه برخلاف خواست و اراده ملت گام برنخواهد داشت.»

بله این است «مجلس» در ذهن علیل آخوند کروی که قلم از شرح حماقت و تزویرشان عاجز می‌ماند. «فی‌فی» در ادامه می‌گوید، ما همان جمهوری اسلامی را می‌خواهیم که امام مطرح کردند و ۹۸ درصد مردم به آن رأی دادند! این گوساله‌ننه‌حسن می‌پندارد همه شوت‌وپرت‌هایی که در «رفراندوم» ۱۲ فرودین‌ماه ۱۳۵۸ شرکت کردند، به پیشنهاد امام دجال‌اش «آری» گفته‌اند، یا اینکه واقعاً ۹۸ درصد ایرانیان عاقل و بالغ پای به معرکه رهبرکبیر گذاشته‌اند. پیش از ادامه مطلب بهتر است نگاهی داشته

باشیم به تبلیغات رسانه‌های غرب در باب «خواست مردم» که در سایت مردم‌پرست و خداجو و حق‌طلب «بی‌بی‌سی» مورخ ۱۵ نوامبر ۲۰۰۹ انعکاس یافته.

به گزارش سایت کذا به نقل از «کوریره دلا سرا»، ۸۴ درصد مردم ایتالیا «صلیب» را نماد ریشه‌های فرهنگی کشورشان می‌دانند! البته مهم نیست «مردم» ایتالیا در توهّمات خود چه می‌پندارند، مهم این است که برنامه‌گوساله‌پسند «هویت» که از سوئد و بریتانیا آغاز شد و طی آن به فرهنگ ۱۷ هزار ساله انگلستان پی بردیم، اکنون به فرانسه و ایتالیا هم رسیده! بله، پروپاگاندا «فرهنگی» ناتو مثل «واکسن آنفلوانزای خوکی» باید به همه فروخته شود، چرا که اولی میلیاردها دلار به جیب ارتش ناتو و دومی میلیاردها دلار نصیب شرکت‌های داروئی غرب می‌کند! ابتدا می‌گفتند این نوع گریپ می‌تواند باعث مرگ افراد مسن و گروه‌های آسیب‌پذیر شود، گویا کسی از واکسن کذا استقبال نکرد! در نتیجه چند روز پیش خبر مرگ یک زن ۲۷ ساله را هم در بوق گذاشتند تا همه حسابی بترسند و واکسن بزنند! بگذریم و بازگردیم به معرکه «هویت» در فرانسه. چند روز پیش نیکولا سرکوزی گفت، «هویت ما بورکا نیست.» روشن‌تر بگوئیم، اربابان جمکران نیز به «زبان نفی دیگری» روی آورده‌اند. همچنانکه جمکرانی‌ها برای تعریف خود، می‌گویند «ما غربی و سکولار نیستیم»، اربابان‌شان نیز می‌گویند ما افغانی و مسلمان نیستیم! خلاصه چارچوب هویت جمکرانی‌ها و اربابان را «نفی مکان» و «باورهای» یکدیگر تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر اینان دو روی سکه فاشیسم و انسان‌ستیزی‌اند.

پس دلیلی ندارد که ایتالیا از فرانسه و انگلستان در زمینه فاشیسم عقب بماند! روزی ایتالیا با «موسولینی راحل» از مشروعیت ۹۸ درصدی خوبی برخوردار بود! به هر تقدیر بر اساس یک «نظرخواهی»، ۸۴ درصد «مردم» ایتالیا طرفدار صلیب‌اند و ۶۸ درصدشان صلیب کذا را نماد ریشه‌های فرهنگی «هویت» کشورشان دانسته‌اند. البته مهم نیست که این آمار تا چه حد بازتاب نظرات مردم است، مهم این است که تبلیغات مهوع ناتو قصد باوراندن این دروغ بزرگ را دارد که «توحش کلیسا» را باید به عنوان «فرهنگ» بپذیریم، آنهم در ایتالیا، خاستگاه رنسانس! رنسانسی که در تضاد با تاجر کلیسا شکل گرفته! همین تبلیغات است که در رسانه‌های حکومت جمکران و مخالف‌نمایان‌اش به خورد مخاطب داده می‌شود: توحش دین، همان «فرهنگ» است! فرهنگ هر ملت، همان «دین اکثریت» است. پس در کشورهای مسلمان‌نشین همچون ایران، فرهنگ ملت همان بی‌بی‌گوزک‌های شیعه اثنی‌عشری خواهد شد. حال که معنا و مفهوم «فرهنگ» ویراست فرهنگ‌ستیزان غرب را شناختیم بازگردیم به نوکران انسان‌ستیزشان در جمکران از جمله شیخ کروبوی.

آخوند کروبوی یکی از سخنگویان «فرهنگ» انسان‌ستیز، ویراست سازمان ناتو به شمار می‌رود. ایشان که سی سال است به جفتک‌پرانی و مهمل‌گوئی اشتغال دارند، در دیدار

با فراکسیون خط توحش، «جوانان» را نیز به رفتار «منطقی» دعوت فرموده‌اند!

«فی‌فی» در پایان سخنان پریشان‌اش همه را از رفتار خشونت‌آمیز منع کرده، گویا شکستن در ورودی دانشگاه را از یاد برده باشد، یا شاید هنوز شعورش نمی‌رسد که خشونت همان «قانون‌شکنی» است. در هر حال نصایح ابلهانه کروبی فقط شامل حال «جوانان» می‌شود. جوانان باید «منطقی» رفتار کنند، حال آنکه دیگران به ویژه کروبی می‌توانند همچنان از الگوی گاو حاج میرزا آغاسی پیروی نمایند:

«باید همان جمهوری اسلامی که امام مطرح کردند و ۹۸ درصد مردم به آن رأی دادند حاکم باشد [کروبی از جوانان خواست] از رفتار خشونت‌آمیز [...] پرهیز کنند و اجازه ندهند انسان‌های مریض جوانان را به کارهای تند هدایت کنند و همچنان رفتارهای منطقی و انسانی را سرلوحه جنبش سبز قرار دهند.»

همین عبارات به بهترین وجه «زبان انسان ستیز» گسست را نشان می‌دهد: بازگشت به گذشته رویائی و دروغین ۹۸ درصدی، پریشان‌گوئی، و از همه مهم‌تر در ترادف قراردادن جوانان با صغیر و مهجور. «فی‌فی» می‌گوید «جوانان» مراقب باشند، فریب انسان‌های «مریض» را نخورند، و همچنان «رفتار

منطقی» داشته باشند! بله، «جوانان عزیز!» رفتار منطقی داشته باشید! درست مثل شیخ کروبی که رفتارش بر «منطق توحش»، «گله‌پروری»، «حق طبیعی» و «حقوق الهی» استوار است و شما را صغیر و مهجور می‌انگارد.

**طوفان طعنه خنده ما را ز لب نشست
کوهیم و در میانه دریا نشستیم
چون سینه جای گوهر یکتای راستی
است**

زین رو به موج حادثه تنها نشستیم.
(فروغ فرخزاد)